



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics Investigation of the Contemporary Women Writer's Novels (Focusing on seven novels including: Wandering Island, the Dog and the Long Winter, Tehran's Nights, Heart of Steel, I will Turn off the Lights, Tibetan Dream, Your Redness is from me)

M. Bagheri, S. Moradkhani*, M.R. Rouzbeh, S. Zohreh Vand

Department of Persian Language and Literature, University of Lorestan, Khoramabad, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 June 2018

Reviewed: 15 July 2018

Revised: 11 August 2018

Accepted: 20 September 2018

KEYWORDS

Stylistics, Women Style,
Language and Sexuality

*Corresponding Author

✉ yas12261985@gmail.com

☎ (+98 66) 33120106

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVE: Stylistics researches have had considerable growth over the two past decades. One of the branches of modern stylistics is women's writing which have been regarded by social linguists. Layer Stylistics studies style in five language layers including (phonetics, morphology, syntax, semantics and pragmatics). The main purpose of the present research is to discover structural characteristics of Wandering Island, the dog and the long winter, Tehran's Nights, Heart of Steel, I will turn off the lights, Tibetan Dream, your redness from me novels based on the women's stylistics approach.

METHODOLOGY: the present research has been done through descriptive-analytical method by using Fotouhi's Stylistics methods. Therefore, one tenth of them have been selected randomly.

FINDINGS: writing style of the most women is simple, together with complete details and exact descriptions. Their interested words which are conform to their sexuality are more applicable in these novels. Characteristics of the women style have fivefold layers including phonic, lexical, syntactic, rhetoric and pragmatic).

CONCLUSION: the results of investigating the layers of women's style in the works of women writers can be summarized as follows: in phonetic level, Women's language does not have much differences with men's language, except difference in tone which is more moderate in women and expresses emotional and polite tone of women. Lexical level is related to women's gender and women's interpretations and catchphrases such as implementing color terms and special women's insults and curses which are clear in their discourse. Syntactic level is related to implementing simple words, parallel sentences, sentences deletion and exclamatory aspects. Rhetoric level shows that simile, irony and metaphor are used frequently in women's works. In pragmatic level, we conclude that the tone of women writers even when in the words of male characters is quite feminine.

DOI: [10.22034/JSPPP.2020.03.01](https://doi.org/10.22034/JSPPP.2020.03.01)

NUMBER OF REFERENCES



17

NUMBER OF TABLES



16

NUMBER OF FIGURES



0

نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبک‌شناسانهٔ رمانهای نویسندگان زن معاصر (با تکیه بر هفت رمان جزیرهٔ سرگردانی، سگ و زمستان بلند، شبهای تهران، دل فولاد، چراغها را من خاموش میکنم، رویای تبت و سرخی تو از من)

معصومه باقری، صفیه مرادخانی*، محمدرضا روزه، سعیدزهره وند

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

چکیده

زمینه و هدف: در دو دههٔ اخیر، پژوهشهای سبک‌شناسی رشد چشمگیری داشته است، یکی از شاخه‌های سبک‌شناسی جدید سبک یا نوشتار زنانه است که مورد توجه زبان‌شناسان اجتماعی قرار گرفته است، سبک‌شناسی لایه ای مبانی سبک را در پنج لایهٔ زبان (آواشناسی، ساخت‌واژی، نحو، معنی‌شناسی و کاربردشناسی) بررسی می‌کند. در این پژوهش هدف اصلی کشف ویژگی‌های ساختاری رمانهای جزیرهٔ سرگردانی، سگ و زمستان بلند، شبهای تهران، دل فولاد، چراغها را من خاموش میکنم، رویای تبت و سرخی تو از من، بر پایهٔ دیدگاه سبک‌شناسی زنانه است.

روش مطالعه: این جستار به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش سبک‌شناسی فتوحی انجام شده است. از این رو یک‌دهم از آنها به منظور آمارگیری به صورت تصادفی انتخاب شده است.

یافته‌ها: شیوهٔ نگارش اغلب زنان به صورت ساده، با جزئیات کامل و توصیفهای دقیق همراه است. واژگان موردعلاقهٔ آنان که با جنسیتشان مطابقت دارد در این رمانها کاربرد بیشتری دارد. ویژگیهای سبک زنانه در این رمانها دارای لایه‌های پنجگانه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و کاربردی است.

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی لایه‌های سبک زنانه در آثار نویسندگان زن را می‌توان این گونه خلاصه کرد: سطح آوایی در زبان زنان با زبان مردان تفاوت چندانی ندارد، جز تفاوت در لحن، که این لحن نرم‌آهنگی است که بیانگر لحن عاطفی و مؤدبانانهٔ زنان است. سطح واژگانی که مربوط است به جنس زنان و تعبیر و تکیه‌کلامهای زنانه، مانند کاربرد رنگ‌واژه‌ها، دشنامها و نفرینهای خاص زنانه که در کلام آنان دیده می‌شود. سطح نحوی مربوط به کاربرد جمله‌های ساده، جمله‌های همپایه، حذف جمله‌ها و وجه عاطفی است. سطح بلاغی نشان می‌دهد در آثار زنان تشبیه، کنایه و استعاره کاربرد فراوان دارد. در سطح کاربردی نیز نتیجه می‌گیریم که لحن نویسندگان زن در بیشتر موقعیتهای حتی زمانی که از زبان شخصیت مرد نقل قول میکنند.

تاریخ دریافت: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷

تاریخ داوری: ۲۴ تیر ۱۳۹۷

تاریخ اصلاح: ۲۰ مرداد ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۳۹۷

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، سبک‌زنانه،

زبان و جنسیت.

* نویسنده مسئول:

✉ yas12261985@gmail.com

① ۳۳۱۲۰۱۰۶ (۹۸ ۶۶)

مقدمه

بسیاری از پژوهشهای سبک شناسی در زبان فارسی تقلید یا تکرار یافته‌های بهار در تاریخ تطور نثر فارسی است. بسیاری دیگر نیز سبک متون را به شیوهٔ سیروس شمیسا در سه سطح زبانی، فکری و ادبی مورد مطالعه قرار داده‌اند که این شیوه را برخی از منتقدین نمی‌پسندند: «انتقادی که به شیوهٔ بررسی سبک در سطوح سه‌گانه وارد است این است که هریک از این سه سطح به صورت جداگانه بررسی میشود و پژوهشگر قادر به برقراری ارتباط بین این سه سطح نیست.» (تاج بخش و حسن پور، ۱۳۹۰). کتاب سبک شناسی فتوحی پایهٔ زبان شناسی دارد و مبانی سبک را در پنج لایهٔ زبان (آواشناسی، ساخت‌واژی، نحو، معنی‌شناسی و کاربردشناسی) بررسی میکند، اما از آنجا که کتاب برای مقاصد سبک‌شناسی ادبی تألیف شده، لایه‌های بلاغی و ایدئوژیک را نیز بدان افزوده است. «این روش را از آن رو که سبک را در پنج لایهٔ آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی میکند سبک‌شناسی لایه‌ای نامیده‌ام.» (فتوحی، ۱۳۹۰). مقاله حاضر با توجه به روش سبک‌شناسی فتوحی جمع‌آوری شده است.

تعریف مسأله

با همه‌گیر شدن قالب رمان به عنوان ظرف گفتمانهای معاصر، شاهد گسترش روزافزون گرایش نویسندگان زن به رمان هستیم. ظرفیتهای کم‌نظیر این ژانر، زنان معاصر را به این فهم رسانده که جامعه و مشکلات خود را در این ظرف به نمایش بگذارند. درحقیقت رمان، یگانه گونهٔ ادبی برای بیان مفاهیم زنانگی است، گاهی به منظور تقابل با روایت‌های مردانهٔ حاکم بر جوامع سنتی و گاهی نیز به ظهور رو به رشد داستان‌نویسان زن همچون سیمین دانشور، گلی ترقی، شهرنوش پارسی‌پور، منیرو روانی‌پور، غزاله علیزاده و... نشان داد که زنان در مرحلهٔ تغییر و تحول اجتماعی قرار گرفته‌اند، با آثار این نویسندگان «تلاش برای کشف فردیت و هویت خویش به عنوان زن جایگاهی چشمگیر در ادبیات زنان به وجود می‌آورد، ادبیاتی که از ذهنیتی زنانه به جهان مینگرد و با تأکید بر نقش اجتماعی و درونیات زنان، تصویری متفاوت از تصویر زن در آثار نویسندگان مرد ترسیم میشود.» (میر عابدینی، ۱۳۷۷).

پیشینهٔ پژوهش

در سالهای اخیر، تحقیقاتی محدود در قالب پایان‌نامه و مقاله درباره سبک‌شناسی نثر داستانی معاصر به نگارش درآمده‌است، اما درباره سبک شناسی زنانهٔ آثار داستانی که موضوع مقاله حاضر است، پژوهشی جز در زمینه نقد و بررسی صورت نگرفته است. پژوهش دربارهٔ نویسندگان زن و آثارشان در خلال برخی کتابها به صورت فشرده و با اشاراتی گذرا آمده است، مانند «گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران» نوشته علی تسلیمی (۱۳۸۳، ۲۷۴-۲۵۰)، «صدسال داستان نویسی میرعابدینی» (۱۳۷۷: ۱۱۱۶-۱۱۰۵)، کتاب «گفتمان زنانه» از سیدعلی سراج که در آن برخی رمانها را از دید زنانه بررسی کرده و اما تحقیق در مورد سبک زنانه در برخی مقالات نیز انجام شده، مانند مقاله «مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من» از فاطمه علی اکبری (۱۳۹۵: ۱۸۱-۲۰۵)، «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد» از نیکوبخت (۱۳۹۱: ۱۱۱۹-۱۵۲)، مقاله «تجلی نوشتار زنانه در کتاب دا» از منا برجی خانی (۱۳۹۲: ۲۲۹-۲۵۳). در زمینهٔ موضوع این مقاله پژوهشی موجود نیست و آنچه که انجام شده با ماهیت و رویکرد این پژوهش متفاوت است.

روش تحقیق

این جستار به شیوه توصیفی-تحلیلی و با توجه به زیبایی‌شناسی سبک و نوشتار زنانه، تلاش دارد ویژگی‌های رمانهای مذکور را از نظر سبکی بررسی کند. از این رو یکدهم از آنها به منظور آمارگیری به صورت تصادفی انتخاب شده است.

سوال پژوهش

آیا سبک نویسندگان مورد نظر دارای ویژگی‌های زبانی زنانه است؟ این ویژگیها در چه سطوحی برجسته‌تر است؟

بحث و بررسی

مؤلفه‌های سبک زنانه

مسأله زبان و جنسیت برای اولین بار از سوی فمینیست‌های موج دوم مطرح شد، اعتراض آنها باعث ترغیب بسیاری از زبان‌شناسان برای بررسی اختلافات زبانی زنان و مردان شد و به مقوله جنسیت که مغفول مانده بود توجه ویژه‌ای نشان داده شد.

زبان جنسیتی اصطلاحی است که نظریه‌پردازان فمینیستی از آن در حوزه زبان‌شناسی استفاده میکنند تا هویت متمایز زبانی زنان را توصیف کنند؛ یکی از شاخه‌های سبک‌شناسی سبک زنانه است. اکنون بخش بزرگی از ادبیات داستانی فارسی کاملاً بیان‌گر روح زنان است و میتوان به روشنی از خلال آن به آرمانهای جنبش زنان پی برد. «تنوع و کیفیت آثار پدیدآمده به حدی رسیده است که بتوان از شروع یک ادبیات زنانه سخن گفت. زنان بسیاری به خلق آثار ادبی روی آورده‌اند، بی آنکه مشغله ذهنی همه‌شان آفرینش ادبیات فمینیستی بوده باشد.» (میر عابدینی، ۱۳۷۷). اما چون همه آنان داستانهای خود را در مورد دشواری‌های زندگی زنان نوشته‌اند، می‌توان به حاصل کار آنان تحت عنوان ادبیات و سبک زنانه پرداخت. آنان توانسته‌اند با نگاهی دقیق تحولات جامعه را دنبال کند و با انتخاب واقعیتها به دنیای رمان زمینه‌ای مناسب برای شناخت گرفتاریها و مشکلات دختران و زنان را در جامعه به سبکی زنانه فراهم نمایند. با تحلیل رمانهای مذکور می‌توان ردپای جریان زنانه‌نویسی در ادبیات داستانی ایران را بررسی کرد و همچنین به سبک و زبان شخصی نویسندگان دست یافت، زیرا این رمانها نوعی تجربه زنانه در جریان داستان‌نویسی معاصر و بازتابی از صدای زنان در جامعه امروز ایران است.

آیا سبک و زبان زنانه و مردانه وجود دارد؟ در جواب این پرسش گفته شده به نظر نمیرسد که عناصر زبان در ذات خود، با جنسیت ارتباطی داشته باشند، یا تمایزهای جنسی را نشان دهند. در تعریف زبانی که نوشتار زنانه را از مردانه جدا میکند، آمده است که «زبان جنسیتی اصطلاحی است که نظریه‌پردازان فمینیستی از آن در حوزه زبان‌شناسی استفاده میکنند تا هویت متمایز زبانی زنان را توصیف کنند؛ آنها میگویند هر دو جنس، نظامها و کدهای ساختاری ویژه خود را دارند که گاه یک زبان نامیده میشود.» (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵). درباره ریشه این تفاوتها غالباً اختلاف نظر وجود دارد. عده ای این تفاوتها را به کلی رد میکنند اما عده ای نیز بر این باورند که: «به واسطه تفاوتهایی که در نقشهای اجتماعی دو جنس وجود دارد تفاوتی نیز در رفتار زبانی آنها مشاهده می‌شود.» (مدرسی، ۱۳۶۸).

داستانها و رمانهایی که نوشته زنان است دارای ویژگیهایی است که آنها را از نوشته‌های مردانه جدا می‌کند. از جمله آنها نوعی تشخیص زبانی در آثار زنانه است. داستانهایی که در

دو دههٔ اخیر به خصوص دههٔ هشتاد توسط زنان ایرانی نگاشته شده اند به هیچ وجه در پی پنهان کردن لحن و زبان زنانهٔ خود نیستند بلکه به سمت ایجاد یک زبان زنانه در حرکتند. نویسندهٔ کتاب اتاقی از آن خود درباره نوشتار زنانه میگوید: «زنان تمام این میلیون ها سال درون خانه ها نشسته اند تا آنجا که اکنون دیگر نیروی خلاقهٔ آنها در دیوارها نفوذ کرده و در واقع خصوصیات آجر و ملاط را چنان تغییر داده است که ناگزیر باید آن را با قلم و قلم مو و کار و سیاست مهار کرد.» (ولف، ۱۳۸۳). به اعتقاد او زنان همواره در طول قرنهای بسیار در حال مشاهدهٔ دیگران و تحلیل احساسات خود و آنها بوده اند بنابراین هنگامی که فرصت و جسارت نوشتن را در خود یافتند طبیعتاً رمان را برگزیدند، زیرا رمان بهترین ژانر برای توصیف آن چیزهایی بود که در عین سادگی ضرورتی برای نوشتن آنها وجود داشت.

با این حال که جنسیت دستوری در زبان فارسی وجود ندارد، میتوان بخشهایی از گفتمان زنانه را که پربسامد است در سخن زنان پیدا کرد. همچنین بررسیهای علمی نشان داده که میان جنسیت و رفتارهای زبانی همبستگیهایی وجود دارد. این عناصر شامل صورتهای آوایی، کاربرد واژه‌ها، تعبیر و صورتهای نحوی خاص هستند که گرچه ذاتاً ربطی به جنسیت زنان ندارد، اما زنان آنها را بیشتر به کار میبرند و به گونه‌ای برجسته زنانه دارند. اکنون میتوان بحث از ویژگیهای زبان و سبک زنانه در رمانهای معاصر را در پنج سطح بررسی کرد.

۱) سطح آوایی

زبان‌شناسان تفاوت اداکردن برخی آواها را از سوی زنان و مردان بررسی کرده‌اند، اینگونه مطالعات بیشتر در جوامعی صورت گرفته که دواگره در ادای برخی آواها متفاوت عمل میکنند، با تأمل در زبان فارسی میتوان نتیجه گرفت که هردو جنس واژه‌ها را مانند هم ادا میکنند و در بیان آوا تفاوتی با یکدیگر ندارند، اگرچه در ادای واژه‌ها، نویسندگان زن دارای لحن عاطفی و مؤدبانه است. زنان غالباً جمله‌های خود را با عباراتی پرسشی شروع و یا تمام می‌کنند که این صورتهای ادات زبان همان صورتهای ضعیف و مؤدبانه‌تر اداتی قوی هستند که مردان به کار می‌گیرند.

زنان بیشتر از جمله‌های پرسشی و تأکیدی استفاده میکنند، در حالی که مردان جمله‌های خبری به کار میبرند. عباراتی مانند «میدانید که؟»، «این‌طور نیست؟»، «درسته؟»، «نه؟»: «بیژن گفت: به گمانم تپه سیخی یا تپه سیخکی همین تپه باشد. نه؟» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «موجی از هوای باغ تو آمد و توری پرده لرزید. بهتر نشد؟» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «این حلقه‌های سیاه مو و چشمان میشی غصه‌دار حقیقی‌اند، هستند؟» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «آدم‌ها عوض می‌شن، نمی‌شن؟» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «جاوید بلندگفت: نه شیوا؟» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «خب تو این که حرفی نیست، هست؟» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛ «دوتایی گفتند: بامزه‌ست، نه؟» (پیرزاد، ۱۳۹۱)

جدول ۱- جمله‌های پرسشی تأکیدی (در یک‌دهم رمان‌ها)

Table 1- Frequency of Emphasis question sentences (In ten percent of the novels)

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد جملات	۸	۹	۱۲	۲۴	۱۲	۵	۳

۲) سطح واژگانی

زنان به دلیل دقت در پدیده‌های جزئی و نگاه جزئی نگر و زنانه، گسترهٔ واژگانی را فراهم کرده اند که بازتاب دید احساساتی و جنسیتی آنان در توصیف اشخاص و اشیا است. مهمترین

آنها رنگ‌واژه‌ها، نام گل‌ها و درخت‌ها، انواع غذاها، انواع جواهرات، جنس و رنگ انواع البسه، دکور و تزئینات منزل، تابلوهای نقاشی و همچنین تکیه کلامهایی است که شامل دعا، سوگند، دشنام و نفرینهای زنانه است.

- رنگ‌واژه‌ها

رنگ یکی از ابزارهای روانشناسان برای شناخت روان آدمی است. استفاده از این عنصر ساده و گزینش آن، به مسائل مختلفی بستگی دارد که میتواند در نهایت برای هر شخصی ایجاد باور، علاقه، سلیقه و آرزوهایی خاص نماید. با بررسی دقیق این عنصر، می‌توان تا حد زیادی به افکار، روحيات و جنسیت برگزیننده آن پی برد. رنگ واژه‌هایی که زنان به کار می‌برند، بسیار دقیقتر از رنگ‌واژه‌های مردانه است؛ برای مثال، رنگ‌واژه‌هایی مانند قهوه‌ای روشن و بنفش کم‌رنگ را عموماً زنان به کار می‌برند و به ندرت پیش می‌آید که مردان از آنها استفاده کنند. جزئی‌نگری که از ویژگیهای سبک زنانه است، در کاربرد نام رنگها مشخص میشود. به همین سبب زنان رنگها را با طیف جزئی آن توصیف میکنند: دودی سیر، آبی باز، آبی سیر، سبز چمنی، نباتی روشن، قرمز اخرايي، لیمویی روشن، بنفش‌زنگاری، شنگرفی سیر، گل‌بهی، عنابی، گلی، بژ و ... : «مادرش را دید که با روب دوشامبر پشمی آبی سیر کنار در ایستاده است.» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «بلوز و دامنی ابریشمی به رنگ دودی روشن پوشیده بود.» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «بلوز سفید یقه بسته به تن داشت با دامن مشکی.» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «حسین کف بر لب آورده و رنگش ارغوانی شده بود.» (پارسی پور، ۱۳۶۹)

در برخی رمانها رنگ خاصی یک عنصر تکرارشونده است که بارها یادآوری میشود و این رنگ احساس راوی را نشان میدهد، مانند رنگ قرمز در رمان «سرخي تو از من» که در طول رمان یادآوری میشود و نمادی از اعتراض، خشونت و ناامنی است؛ لباس قرمز، روسری قرمز، رژ قرمز، خط قرمز، مژیک قرمز، ماشین قرمز، لیوان سرخ و ... : «به لیوانهای سرخ پایه بلند نگاه میکند.» (شاملو، ۱۳۸۵)

رنگ نارنجی در رمان «دل فولاد» نمادی از جوانی و شادابی قهرمان داستان است که آن را از دست داده؛ این رنگ در طول رمان دهها بار تکرار شده است: «باد با پیراهنش بازی میکرد. پیراهن نازک و نارنجیش.» (روانی پور، ۱۳۸۱)

در رمان «رویای تبت» رنگ ماشینها به جای شخصیتها قرار میگیرند، ماشین سرمه‌ای که جانشین مهرداد و ماشین شیری جانشین صادق شده است: «چشمم بی اراده دنبال رنگ سرمه‌ای ماشینی میگشت.» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «بلندشو تا بگویم در آن صبح سرد توی آن ماشین شیری‌رنگ چه احساسی داشتم.» (همان)

جدول ۲- کاربرد رنگواژه‌ها

Table 2- Frequency of Colors Words Application

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد رنگها	۱۲	۲۶	۴۲	۷۶	۳۷	۹	۲۸

- تکیه کلامهای زنانه

بخش خاصی که حوزه‌های گفتار مردانه و زنانه را در فارسی جدا میکند، دو قلمرو دشنام و نفرین است. دشنامها و نفرینهای مردان متفاوت با زنان است. این دو حوزه از آن جهت بسیار تفاوت دارند که محل انعکاس قدرت، روحيات، نگرشها و عواطف خاص هر جنس است. تفاوت

میان سخن گفتن مردان و زنان را میتوان در سطح فعل نیز تحلیل کرد. بررسیها نشان میدهد که زنان از فعلهایی چون غصه خوردن، گریه کردن، دوست داشتن و... بیشتر استفاده میکنند (الف) فعلهای احساسی: تعداد این نوع فعلها که بیانگر احساسات هستند، در رمانهای زنان فراوان است: «هردوتان شاگرد من بوده‌اید و دوستتان دارم.» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «عوض این حرفها دوست دارم کتاب بخوانم.» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «سودابه منوچهر قزوینی را دوست داشت.» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛ «از اولین روزی که او را دیدم همیشه دوستش داشتم.» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «او رنگ لبو را که رنگ زرشک بود دوست میداشت.» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «فرهاد خامه دوست ندارد.» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «دوست دارم گوش کنم.» (وفی، ۱۳۹۳)

جدول ۳- کاربرد فعلهای احساسی

Table 3- Frequency of Emotional Verbs

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد	۹	۸	۱۵	۳۲	۶	۱۵	۷

ب) نفرین: زنان بیشتر از نفرین استفاده میکنند تا دشنام، «زنان از آن رو بیشتر نفرین میگویند که از قدرت کمتر برخوردارند و وجه کلاشان تمنایی و دعایی است.» (فتوحی، ۱۳۹۰). تکیه کلامهای نفرین در زنان رنگ و بوی زنانه دارند مانند ذلیل شده، گیس بریده، شیرم حرامت و: «سیمین رفته شیراز - به درک!» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «به شدت به او برخورد بود گفت: به درک!» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛ «شیرم حرامت باد، تو گیس بریده شرم نکردی عاشق قلم شدی؟» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «فروغ جارو را انداخته و گفته بود: به جهنم!» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «ذلیل شده! کی به خودت میرسی؟» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «قیامتی بود از خاک و ناله و نفرین» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «رو آب بخندی، همش میخنده» (شاملو، ۱۳۸۵)؛

جدول ۴- کاربرد نفرین

Table 4- Frequency of Curse

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تکیه کلام	۲	۲	۴	۱۴	۶	۱	۷

ج) دشنام واژه: زبان‌شناسان معتقدند، زنان گرایشی ذاتی به استفاده از صورتهای مؤذبانانه تر و مهذبتر دارند؛ زیرا فرآیند اجتماعی شدن آنان به گونه ای است که جامعه همیشه از آنها رفتاری درست و سنجیده تر انتظار دارد. این امر باعث شده است تا زنان به شدت از کاربرد دشواژه ها به ویژه دشواژه های رکیک احتراز کنند و در اندک مواردی هم که دشواژه ها را به کار میبرند بیشتر از صورتهای غیرزشت و غیرمؤذبانانه (در مقابل صورتهای رکیک) استفاده میکنند. در سراسر رمان «دل فولاد، چراغها را من خاموش میکنم، جزیرهٔ سرگردانی، سرخی تو از من رویای تبت» هیچ دشنام رکیک و زننده ای استفاده نشده، گاهی تنها لفظ فحش عنوان شده است. این نوع خفیف دشنامها نشان دهندهٔ ادب و نزاکت نویسندگان زن است: «مستر کراسلی داد زد: برو به جهنم، کاکا سیاه، از تو متنفرم، بوگندو.» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «دیدید چقدر فحش دادند؟» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «چالم کرد و فحشم داد.» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «یعنی تو نمیفهمی

که مرتیکه دنبال کلفت می‌گردد؟» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «کوفتی! پول برق آمده» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «ولی خانم دکتر به نظر من آدم خائن آشغال» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «مردکۀ خر، چته؟ مگر ما گناه کردیم که تو را پس انداختیم؟ حرام زاده!» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛

جدول ۵- کاربرد دشنام

Table 5- Frequency of Insults

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تکیه کلام	۷	۲	۱۱	۲۴	۴	۱	۹

د) سوگندواژه: سوگندواژه‌ها را به دو دسته سوگند به مقدسات دینی مانند به خدا، به دین، به پیغمبر، به حضرت عباس، به مریم مقدس، به مسیح و امور ارزشی و مهم زندگی مانند به جان مادر، به جان بچه‌ها، به جان خود می‌توان تقسیم نمود. در این آثار، سوگندواژه کاربرد چندانی ندارد. سوگند خوردن علاوه بر جنسیت، به عوامل فرهنگی، طبقه اجتماعی و تحصیلات افراد نیز بستگی دارد.

• سوگند به مقدسات: «به حرا لاسودی که بوسیده‌ام اگر یک شاهی پول از تو بگیرم.» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «نه والله آدم اصلاً نمیتواند چیزی که توی فکرت می‌گذرد پیش‌بینی کند.» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «تو را خدا داداش... بسمه.» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «باید قول بدی قسم بخوری که به هیشگی نگی.» (شاملو، ۱۳۸۵).

• سوگند به امور ارزشی: «مرگ بچه‌ها، جون سودابه چی بهت میگفت؟» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛ «تو را به روح پدر قسم...» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «آقا داداش به جان شما، من مطمئنم...» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛

جدول ۶- کاربرد سوگند

Table 6- Frequency of Oath

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تکیه کلام	۵	۲	۵	۱۲	۳	۱	۱

۳) سطح نحوی

تفاوت اساسی نحوی در ساختار جمله‌های زنان و مردان وجود ندارد بلکه تفاوت در میزان کاربردها ست. برخی کاربردهای نحوی پرسامد در گفتار زنان عبارتند از: جملات ساده، جمله‌های همپایه، حذف و قطع جمله‌ها، جملات پرسشی و وجه عاطفی.

- جملات ساده

زنان در این رمانها از جملات ساده و کوتاه استفاده کرده‌اند. زیرا یک نوشته رمانتیک، جمله‌های علت و معلولی کمتری نسبت به یک رساله فلسفی دارد. بیش‌تر جمله‌های فلسفی متشکل از علت و معلول یا شرط و جواب شرط است اما زنان خبری و احساسی است و سبک روایت زنانه متمایل به توصیف و بازگویی است. «اصولاً زنان خیلی مستدل حرف نمی‌زنند و با تأکید بر موضوع، تکرار، کاربرد مترادف و قید و صفت، ایده خود را بیان میکنند، تکرار جزئیات به جای برهان مینشینند.» (فتوحی، ۱۳۹۰).

«پیشترها میترسیدم، مدتی است که نمیترسم، مرگ هم جزو زندگی است.» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «زیاد حرف زدم میترسم دیر شود و وسیله گیرم نیاد.» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «لیلا گوشی را میگذارد و به دیوار روبرو خیره میشود، چندنفس عمیق میکشد.» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «با دست در توری را نگه داشتم، تکیه دادم به چارچوب و نگاهش کردم.» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «مادرم آماده بود دوباره گریه کند. پدرم بی خیال از پنجره به بیرون نگاه میکرد.» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛ «وقتی از حمام بیرون آمد سیاووش سرکوچه تکیه به دیوار، ایستاده بود سیگار میکشید و لابد سیگار زر.» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «سراغ فروغ را میگرفت. جاحورد. چطور متوجه آمدنش نشده بود. ازپله‌ها پایین رفت.» (وفی، ۱۳۹۳)؛

جدول ۷- کاربرد جملات ساده

Table 7- Frequency of Sentences

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد جمله	۳۱۰	۳۳۶	۵۰۵	۴۲۶	۳۱۶	۱۸۴	۳۲۹

- جملات هم پایه

با بررسی رمانهای مورد نظر میتوان گفت که زنان نویسنده به نوشتن سبک جمله‌های پیچیده و بلند علاقمند نیستند. «میزان ساختهای همپایه در سخن زنان زیادت‌تر از مردان است، پیوند جمله‌های متن در نوشتار زنان بیشتر از طریق همنشینی و مجاورت صورت میگیرد و میزان پیوندهای دستوری و جمله‌های وابسته که دارای بند پایه و پیرو هستند اندک است.» (فتوحی، ۱۳۹۰).

«اگر در اجتماع نباشم و با مردم حشر و نشر نداشته باشم و کار نکنم موضوع نقاشیم را از کجا پیدا کنم؟» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «چهره را میان دستها پنهان کرد و اشک از چشمهایش جاری شد، انحنای انتهای شست را گاز میگرفت و ...» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «جوان همانجا نشست و تکان نخورد و زن روی صندلی چرخدار نشسته بود و میخندید و ...» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «در را بست و رفت صندلی جلو کنار پدرش نشست. آرتوش راه افتاد و دست تکان داد.» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛ «تابستان بود و فصل مشهد رفتن و حسین این دست و آن دست میکرد تا پاییز شد و پاییز سرد بود و ...» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «بلند میشود و دوباره میرود دم پنجره، مرد پیاده شده و دست به سینه تکیه داده به ماشین.» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «دستش را از میان موهایم به پشت گردنم چسباند و مثل همیشه گفت آتش لازم نداری.» (وفی، ۱۳۹۳).

جدول ۸- کاربرد جملات همپایه و مرکب

Table 8- Frequency of peer and compound sentences.

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
جمله مرکب	۲۹۹	۱۵۸	۲۰۵	۱۵۲	۱۷۴	۱۲۱	۹۱
جمله همپایه	۲۹۶	۳۳۱	۲۵۷	۲۴۸	۲۹۴	۱۵۱	۱۹۸

- حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع

جمله‌های بدون فعل در نوشته‌های زنان فراوان به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد از ویژگی‌های سبکی نویسندگان است. در نوشتار زنانه مکث و سکوت در خلال سخن به صورت سه نقطه (...) نگارش می‌شود: «دست مامان عشی به زنگ روی میز کنار تخت رفت و گفت این پستیای سر به هوا...» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «انحنای نرم بینی بزرگ، سایه تبسم لطیف بر دهان کوچک کبود. دور لبان خاموش، چینه‌های مهربان و صبور...» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «زن داشتم و چند تا بچه، چشمم که به آقام می‌افتاد مهره‌های پشتم تیر میکشید. حالا این کافر خدانشناس ...» (پارسی‌پور، ۱۳۶۹)؛ «گاهی وقتاً فکر میکنم نکنند...» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «رستم پنج سال علاف جبهه‌ها...» (روانی‌پور، ۱۳۸۱)؛ «اصلاً تقصیر کلاریس بود که...» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «فکر میکنی چیزی می‌دونه؟ یا...» (شاملو، ۱۳۸۵).

جدول ۹- حذف و قطع جملات

Table 9- Frequency of Deletion and Disconnection of Sentences

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
جمله مقطع	۴۱	۲۸	۱۰	۹۲	۳۴	۰	۲۸

- جملات پرسشی

جملات پرسشی در قالب حدیث نفس یکی از ویژگی‌های سبکی آثار زنان است، کاربرد جمله‌های پرسشی که اغلب با بسامد قیده‌ها و تعداد جمله‌های پیرو و وابسته است. این ویژگی در برخی آثار مانند رمان «سرخ تو از من» و «دل فولاد» بیشتر است که ناشی از اختلال روانی، نگرانی و سرگردانی شخصیت‌های اول است: «شوهر سابقش؟ پدرفرهاد؟ پدر؟ چی باید صدایش کنه؟» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «کجابود؟ آن همه مرد، آن همه پاسبان و راننده؟ کجا بود راننده؟» (روانی‌پور، ۱۳۸۱)؛ «فکر میکردم آیا او خواهد فهمید؟ اگر پیش می‌آمد و او نمیتوانست بپذیرد؟» (پارسی‌پور، ۱۳۶۹)؛ «به چی نگاه می‌کرد؟ مبادا جایی کثیف باشد؟ نکند آشپزخانه به چشمش زشت یا عجیب آمده؟» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «آن همه گنجشک مرده را زیر درختها نمی‌بینند؟ شاید هم به زبان بی‌زبانی می‌گویند کسی نیست به داد ما برسد؟» (دانشور، ۱۳۷۷).

جدول ۱۰- بررسی جملات پرسشی

Table 10- Frequency of Question Sentences

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
جمله پرسشی	۹۷	۸۳	۸۰	۳۲	۶۹	۱۶	۱۵۴

- وجه عاطفی

بسامد جمله‌های تعجبی و عاطفی در سخن زنان بیشتر از مردان است. شبه جمله‌های عاطفی مانند «خاک عالم!»، «خدا مرگم بده!»، «هیوونکی!» خاص گفتمان زنان است. این شبه جمله‌ها گاه دعایی، گاه افسوس، گاه نفرین و گاه تعجبی هستند. کاربرد تکیه کلام زنانه در کنار شخصیت زنان همنشینی خاص ایجاد میکند و برای پرداختن به موضوعات و مسائل خاص زنان، انسجام در لفظ و محتوای آثار رعایت شده است: «خدا نصیب نکند!» (دانشور، ۱۳۷۷)؛

«آه! ما خیلی خوش بودیم، همه دور هم، بی دغدغه...» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «آخی! ... مادرش چه حالیه حالا...» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «عزیزم، جانم نمی گفت» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «واه، واه! خفه شدم ازبوی تافت» (پیرزاد، ۱۳۹۱)؛ «خانمجان گفت: آخ!» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛ «نامه است؟ - آره - از کجا؟ - نمی دونم والا» (روانی پور، ۱۳۸۱).

جدول ۱۱- کاربرد جملات عاطفی

Table 11- Frequency of Emotional sentences

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد جملات عاطفی	۱۵	۹	۵	۲۱	۱۲	۶	۱۱

۴) سطح کاربردی

نویسندگان زن مورد مطالعه در سراسر رمانها حتی زمانی که از زبان شخصیت‌های مرد سخن میگویند اصل رعایت ادب را فراموش نکرده و دشنامهای رکیک و ناهنجار را به کار نبرده اند. «رعایت ادب، از مقوله‌های متعلق به بافت و موقعیت کاربرد سخن است و در بافتهای رسمی شاخص مهمی در تعیین نوع سخن زنان به شمار میرود. زنان در محافل رسمی مؤدبانه‌تر و با گونه‌های معتبرتر زبان سخن میگویند.» (فتوحی، ۱۳۹۰). از این رو در اغلب رمانها کلمات و اصطلاحات بی ادبانه به کار نرفته و یا بسیار کم استفاده شده، گاهی به جای ذکر دشنام از سه نقطه (...) استفاده شده: «داد سرهنگ درآمد: مادر ... روز روشن؟» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «مادر ... سرخی تو از من» (شاملو، ۱۳۸۵).

جدول ۱۲- استفاده از واژگان رکیک (عدم رعایت ادب)

Table 12- Frequency of Vulgar Words (Lack of etiquette)

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد کلمات بی ادبی	۵	۳	۲	۷	۰	۰	۱

۵) سطح بلاغی

صناعات ادبی و بلاغی در سخن زنان به ترتیب کاربرد بیشتر در این بخش بررسی میشود.

- تشبیهات زنانه

زنان برای توصیف اشخاص و حالات، از تشبیهات فراوانی بهره برده اند و مشبیه تشبیهات در اکثر مواقع موجودات و اشیایی است که در دید زنانه بیشتر به چشم میخورند و واژگان مأنوس محسوب میشوند و توجه فراوانی به آنها دارند، مانند نام جواهرات، میوه‌ها، گلها، حیوانات و عناصر طبیعی: «جزیره را شناخت شنزاری بود به شکل گلابی.» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «گردن لطیف او چون گلوی کبوتر بالا و پایین میرفت.» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «مهری قشنگ بود. پوستی به رنگ گل به داشت.» (پارسی پور، ۱۳۶۹)؛ «خانه را با جنگل اشتباه گرفته، عین خرس دراز کشیده است.» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «کلماتی که از دهانش درمی آمد، مثل دانه‌های زنجیر بود.» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «چه خوب که موهای فرهاد صاف است، صاف و لخت مثل پیشی.» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «خواهرم با لباس زرد گشاد... شبیه گل آفتابگردان بزرگی بود.» (پیرزاد، ۱۳۹۱).

جدول ۱۳- کاربرد تشبیه

Table 13- Frequency of Simile.

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد تشبیهات	۱۲	۱۰	۲۱	۸۴	۱۱	۱۷	۲

- کنایه و تعریض

زنان در گفتار خود از عناصر کنایه و طعن آمیز بهره می‌برند، «ظاهراً سخن زنان کنایه‌تر از مردان است و زنان بر معانی ضمنی بیش از معانی صریح تأکید دارند» (فتوحی، ۱۳۹۰). در رمانها شخصیت‌های زن از این نوع بیان استفاده میکنند و این مشخصه در سخن زنان مسن آشکارتر است: «چشم‌روشن! دخترت خاطرخواه این پسر مزلف قلم شده، زعفران به رویت بمال.» (علیزاده، ۱۳۹۲)؛ «تمام زنهای تهران برای وقت گرفتن از او سر و دست میشکستند.» (دانشور، ۱۳۷۷)؛ «من که فکر میکنم طرف آدم بدی نباشه، فرزانه هم بهش آویزون شده بود.» (شاملو، ۱۳۸۵)؛ «شنیده بود که آسمان و ریسمن را به هم می‌افند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۱)؛ «اگر زرنگ بودم کلاه سرم نمیرفت.» (وفی، ۱۳۹۳)؛ «کاشکی نامه رو داده بودم داداشت بنویسد، قلق این جور کارها دستش است.» (پارسی‌پور، ۱۳۶۹)؛ «هرچه زودتر این مرتیکه را ببیند بهتر، شاید از خر شیطان پیاده شد.» (پیرزاد، ۱۳۹۱).

جدول ۱۴- کاربرد کنایه

Table ۱۴- Frequency of Metonymy

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد کنایه	۳۰	۱۲	۳۸	۴۴	۳۷	۸	۹

- استعاره های زنانه

استعاره نیز در نوشتار زنان کاربرد دارد، کاربرد استعاره را می‌توان در عنوان رمانها واریسی کرد. عنوان رمان «جزیره سرگردانی» استعاره از جامعه ای است که مردم آن دچار سردرگمی هستند و بیش از همه «هستی» شخصیت اول رمان این سرگردانی را در تمام وجوه زندگی خود داراست. «دل فولاد»، استعاره از قهرمان داستان «افسانه» است، زنی نویسنده که با تمام خشونت‌های حاکم بر جامعه زنان مبارزه میکند. «سگ و زمستان بلند» استعاره از حوری، دختری است که در اثر برخورد با مشکلات، به بیداری روحی دردناکی میرسد و به گونه‌ای متفاوت علیه بنیانهای جامعه مردسالارانه اعتراض خود را نشان میدهد. «شبهای تهران» استعاره از جامعه ای است که ساکنان آن سختی‌ها و رنج‌های فراوان دارند. «رویای تبت»، استعاره از جامعه آرمانی است که قهرمانان آرزوی رسیدن به آن دارند. «چراغها را من خاموش میکنم، استعاره ای از نقش اجتماعی زن و مسئولیت پذیری او در خانواده است. سرخی تو از من استعاره و نمودی از کم داشت زن و درخواست او برای توجه است.» (فتوحی، ۱۳۹۰).

جدول ۱۵- کاربرد استعاره

Table 15- Frequency of Metaphor.

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد استعاره	۱۲	۲۴	۳	۲۴	۲	۱	۶

- نمادها

ارائهٔ یک تصویر نمادین و رمزی از اشیاء طبیعی در کار بیشتر شاعران و نویسندگان دیده میشود، یعنی پدیده های طبیعی را به کار میگیرند تا به مفهوم ذهنی خود تجسم ببخشند. کاربرد نمادها در رمانها نشان میدهد که نویسندگان از این عنصر ادبی بهره فراوان برده اند. «جزیرهٔ سرگردانی» نماد جامعه ای است که مردم آن دچار سردرگمی هستند و بیش از همه «هستی، در میانهٔ جایگاه دوگانه، شکاف و سرگردانی میان سنت و مدرنیته را تجربه میکند و به این جهت نماد شاخص سرگردانی نسل جوان در مقابلهٔ سنت با مدرنیته است.» (عاملی رضایی، ۱۳۸۹). مادر هستی نماد زنان مصرفگرایی هستند که در زندگی سرگرداند و به اصولی پایبند نیستند، او و همسرش نماد فساد و بی بند و باری این طبقاتند. مراد، نماد مدرنیته در افکار و عقاید است و نیز نشانه ای از کم رنگ شدن نقش روشنفکران چپگرا در مبارزات توده ها است. از طرفی، سلیم فرخی نماد خانوادهٔ بازاری سنتی و مذهبی است. تحقیر حاجی فیروز به دست کراسلی نماد تضاد آمریکاییان با ملیت ایرانی است. کثرت و تنوع رمزهای دانشور در این رمان تحسین برانگیز است. او برای رسیدن به هدف خود، از یک منظومهٔ داستانی بهره جسته و بدین جهت توفیق حیرت انگیزی کسب کرده است. نویسنده چون میخواسته که رمانش را به یک اثر هنری تبدیل کند نه یک اثر تاریخی فنون رمزپردازی را به روش هایی بدیع و به فراوانی به کار گرفته است. «از تعامل تنگاتنگ تاریخ و اندیشه و زبان، علی الخصوص با استفاده از حداکثر ظرفیت کارکردی الفاظ و ساختارهای زبان و صحنه های طراحی شده و جهتدار، منظومه ای آفریده است که از هماهنگی و همخوانی مجموعهٔ اینها می توان هم به سطح رمزی رمان پی برد و هم بسیاری از رموز آن را کشف کرد و هم مابازاهای تاریخی رموز را تشخیص داد.» (رنجبر، ۱۳۹۳).

علیزاده در «شبهای تهران» شب، برف، یخ، قطب، سرما و زمستان را نمادی برای بیان غمها، رنجها و دردهای شخصیتها استفاده کرده و روز، آتش، آفتاب، نور، گرما و تابستان را برای بیان عشق، امید، زندگی و شادی به کار برده است: «یخی که از شب برفی پنج ماه پیش در قلب او مانده بود شروع به ذوب شدن کرد» (علیزاده، ۱۳۹۲).

«در سرخی تو از من»: مار، گربه، جنگل، پله، تونل و... همگی نمادند. پاینده در تفسیر آنها میگوید: «جنگل در رویا جایگزینی نمادین برای ضمیر ناخودآگاه است. مار نماد دیرینه قضیب، در رویا معمولاً دلالت بر فریب و مقاربت دارد.» (پاینده، ۱۳۹۲)؛ «خوابهای شبانه اش پر از حضور مار بود. جنگل بود. سیاه و مرطوب.» (شاملو، ۱۳۸۵).

از بررسی نوشته های روانی پور، مشخص میشود که نمادها و نشانه ها، جایگاه قابل ملاحظه و چشمگیری در آثار وی دارند و «او با اختصاص فضاهای داستانی خود به نمادها و سمبولها، سعی دارد مفاهیم کلیدی و مهم از دیدگاه خود را در لفافه ای از راز و رمزهای کلامی پیچیده بیان کند.» (هاشمیان، ۱۳۹۰). افسانه سربلند در «دل فولاد» در فضای بسته اجتماعی، با در پرده سخن گفتن و استفاده از کلام نمادین اعتراض خود را بروز میدهد. پاسبانها نمادی از

کنترل‌های بیرونی هستند که آزادیهای ابتدایی اجتماعی را تحدید میکنند. قالب دیکتاتور و امر و نهی پیوسته او، به مثابه خشونت نمادین، در درون خود نهادینه کرده است: «ساختن دیکتاتور کاری ساده است. خودش به او ستاره داده بود همین طور که قد می کشید به او ستاره می‌داد» (روانی پور، ۱۳۸۱)؛ «پاسبان‌هایی که با حضور مستمر در خیابان‌ها سوت می کشیدند.» (همان)

در «چراغها را من خاموش میکنم» هر شب قبل از خواب، همسر کلاریس با لحنی توقع آمیز از او میپرسد؟ چراغها را چه کسی خاموش میکند و کلاریس هم هربار به او اطمینان میدهد «چراغها را من خاموش میکنم» که نمادی از حس مسئولیت و زندگی کلاریس را در مقام مادر و زن خانه دار در یک جمله میتوان دید. هجوم ملخها، در داستان نیز نمادی از حادثه ای است که میتواند ویرانگر باشد. حادثه ورود امیل، مرد همسایه، به زندگی کلاریس مسئله امکان عشق را مطرح میکند، اگرچه در پایان تلنگری است که او را به سمت خودشناسی و خودیابی سوق میدهد. همچنین، بسامد مکرر واژه پنجره در زندگی زنان این داستانها از نظر نمادین، تنها درگاه و زاویه دیدی است که این زنان از طریق آن به دنیای بیرون مینگرند: «دست کشیدم به پرده‌های پنجره و سعی کردم یادم بیاید آخرین بار کی پرده‌ها را شسته‌ام.» (پیرزاد، ۱۳۹۱). «رویای تبت» نیز سمبلی است برای مکانی که هاله‌ای از معانی عرفان شرقی، آرامش، بلندنظری و سکوت را به ذهن متبادر میکند و جایی است که صادق دم از رفتن بدانجا میزند و در آخر شیوا نیز از همراهی با او سخن میگوید: «گفتی: دوست دارم بروم به تبت. با گفتن تبت اشک از هر دو چشم ریخت توی صورتت که هنوز رد لبخند را داشت. همه جا خوردیم.» (وفی، ۱۳۹۳).

جدول ۱۶- کاربرد نماد

Table ۱۶- Frequency of Symbols

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد نماد	۲۵	۱۰	۵	۸	۱۰	۱	۷

نتیجه‌گیری

فمینیسم گرچه در ابتدای راه، ماهیتی شورشی و خودمحوارانه داشت، اما امروزه بیش از هر چیز خواهان نگاهی جدی به زن و نقش او در فضاهای عمومی و خصوصی و استیفای حقوق پایمال شده ای است که در طول تاریخ زندگی بشر، همواره از جنس زن دریغ شده است. فمینیسم ادبی نیز، با توجه به این که آثار ادبی هر جامعه ای را محصول تفکر و نگاه غالب جامعه که اکثراً مردسالار هستند می داند، به بررسی نقش زنان در آثار ادبی و بررسی میزان تأثیرگیری و تأثیرپذیری آنان در این آثار میپردازد و سعی دارد با تغییر جهان متن، جهان فرامتن و عینی را از طریق تغییر نگرش مخاطبان، به سمت تلاش برای رفع تبعیض میان جنس زن و مرد سوق دهد. نویسندگان زن ایرانی نیز، از مشروطه تاکنون همواره و در هر دوره ای به مقتضای شرایط و بسترهای مناسب، دست به خلق آثاری زده اند که نتیجه آن توجه بیش از پیش به نقش زنان و همچنین برگزیدن زبانی مستقل برای روایت، در آثار داستانی زنان در اواخر دهه هشتاد بوده است.

شیوه نگارش اغلب زنان به صورت ساده، با جزئیات کامل و توصیفهای دقیق همراه است، واژگان موردعلاقه آنان که با جنسیتشان مطابقت دارد در این رمانها کاربرد بیشتری دارد. ویژگیهای سبک زنانه در این رمانها دارای لایه های پنجگانه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و

کاربردی است، بررسی لایه آوایی نشان می‌دهد که زنان دارای لحن عاطفی و مؤدبانه هستند، لایه واژگانی کاربرد رنگواژه‌ها، تعابیر و تکیه کلامهای زنانه نویسندگان را روشن میکند؛ در این سطح تفاوت‌های سبکی نمایان تر است، در لایه نحوی کاربرد بیشتر جمله‌های ساده، جمله‌های هم پایه، حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع دیده میشود. در لایه بلاغی مشخص شد که آرایه‌هایی چون کنایه، تشبیه و نماد در کلام نویسندگان زن بارزتر است و در لایه کاربردی نیز نتیجه میگیریم که لحن نویسندگان زن در بیشتر موقعیتهای مؤدبانه و رسمی است؛ حتی زمانی که از زبان شخصیت مرد نقل قول میکنند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان استخراج شده است. خانم دکتر مرادخانی راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده اند. خانم باقری به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته اند. جناب دکتر روزبه و خانم دکتر زهره وند نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده ها و راهنمایی های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Alizadeh, G., (2013). Tehran Nights. Tehran: Tous. pp. 47-79, 120, 212-265, 322-323.
- Ameli Rezai, M., (2010). Sociological critique of the novel "Wandering Island". Parnian Sokhan (Proceedings of the Fifth Conference on Persian Language and Literature Research). pp. 2289-2311.
- Daneshvar, S., (1998). Wandering Cameleer. Tehran: Kharazmi. pp. 1-9, 48-155.
- Fayyaz, E.; Rahbari, Z., (2006). The female voice in contemporary literature. Wemen's Study, 4(4), pp. 5-23.
- Fotuhi, M., (2011). Stylistics. Tehran: Sokhan. pp. 28-41, 405-409.
- Hashemian, L., (2011). A study of symbols in the writing style of Moniro Ravanipour. Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e-Adab), 4(12), pp.

- 329-346.
- Mir Abedini, H., (1998). One hundred years of story writing. Tehran: Cheshmeh. pp. 1110-1111.
- Modaresi, Y., (1989). An Introduction to the Sociology of Language. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. p. 162.
- Parsipour, S., (1990). The Dog and a Long Winters. Tehran: Esparak. pp. 31-99, 274, 511.
- Payandeh, H., (2013). Novel Opening: Iranian novel in the light of literary theory and criticism. Tehran: Morvarid. p. 260.
- Pirzad, Z., (2012). I turn off the lights. Tehran: Saadi. pp. 10-96, 122-156.
- Ranjbar, E., (2014). Investigation of cryptography techniques in the novels "Wandering Island" and "Wandering Cameleer". Persian Language and Literature (University of Tabriz), 67(229), pp. 43-64.
- Ravanipour, M., (2002). Heart of Steel. Tehran: Ghesseh. pp. 6-39, 93-147, 266-267.
- Shamloo, S., (2006). Your redness for me. Tehran: Markaz. pp. 4-89.
- Tajbakhsh, E.; Hasanpour, H., (2011). Stylistics of Dah-Nameh of "Veys and Ramin" by Fakhrudin Asad Gorgani. Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e-Adab), 4(12), 183-200.
- Vafi, F., (2014). Tibetan Dream. Tehran: Markaz. pp. 14-63, 107-139, 174.
- Woolf, V., (2000). A Room of Its Own. London: Penguin Books.

فهرست منابع فارسی

- پارسی پور، شهرنوش، (۱۳۶۹). سگ و زمستان بلند. تهران: اسپرک. صص ۹۹-۳۱، ۲۷۴ و ۵۱۱.
- پاینده، حسین، (۱۳۹۲). گشودن رمان: رمان ایران در پرتو نظریه و نقد ادبی. تهران: مروارید. ص ۲۶۰.
- پیرزاد، زویا، (۱۳۹۱). چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم. تهران: سعدی. صص ۹۶-۱۰ و ۱۵۶-۱۲۲.
- تاج‌بخش، اسماعیل؛ حسن‌پور، هیوا، (۱۳۹۰). سبک‌شناسی ده‌نامه‌ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۲۰۰-۱۸۳.
- دانشور، سیمین، (۱۳۷۷). جزیره سرگردانی. تهران: خوارزمی. صص ۹-۱، ۴۸-۱۵۵.
- رنجبر، ابراهیم، (۱۳۹۳). بررسی فنون رمزپردازی در رمان‌های جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان. زبان و ادب فارسی، دوره ۶۷، شماره ۲۲۹، صص ۶۴-۴۳.
- روانی پور، منیرو، (۱۳۸۱). دل فولاد. تهران: قصه. صص ۳۹-۶، ۱۴۷-۹۳ و ۲۶۷-۲۶۶.
- شاملو، سپیده، (۱۳۸۵). سرخی تو از من. تهران: مرکز. صص ۸۹-۴.
- عاملی رضایی، مریم، (۱۳۸۹). نقد جامعه‌شناختی رمان جزیره سرگردانی. پرنیان سخن (مقاله‌های پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی). صص ۲۳۱۱-۲۲۸۹.
- علیزاده، غزاله، (۱۳۹۲). شبهای تهران. تهران: توس. صص ۷۹-۴۷، ۱۲۰، ۲۶۵-۲۱۲ و ۳۲۳-۳۲۲.
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰). سبک‌شناسی. تهران: نشر سخن. صص ۴۱-۲۸ و ۴۰۹-۴۰۵.

- فیاض، ابراهیم؛ رهبری، زهره، (۱۳۸۵). صدای زنانه در ادبیات معاصر. پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۴، صص ۲۳-۵.
- مدرسی، یحیی، (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه شناسی زبان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ص ۱۶۲.
- میر عابدینی، حسن، (۱۳۷۷). صدسال داستان نویسی. تهران: نشر چشمه. صص ۱۱۱۱-۱۱۱۰.
- وفی، فریبا، (۱۳۹۳). رؤیای تبت. تهران: مرکز. صص ۶۳-۱۴، ۱۳۹-۱۰۷ و ۱۷۴.
- وولف، ویرجینیا، (۱۳۸۳). اتاقی از آن خود. ترجمه صفورا نور بخش. تهران: نیلوفر. ص ۱۲۷.
- هاشمیان، لیلا، (۱۳۹۰). بررسی نمادها در سبک نوشتاری منیرو روانی پور. فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۳۴۶-۳۲۹.

معرفی نویسندگان

معصومه باقری: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
(Email: m.bagheri5622@gmail.com)

صفیه مرادخانی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
(Email: yas12261985@gmail.com) (نویسنده مسئول)

محمد رضا روزبه: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
(Email: rayan.roozbeh@yahoo.com)

سعید زهره وند: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
(Email: zohrevand46z@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Bagheri, M. & Moradkhani, S. & Rouzbeh, M.R. & Zohreh Vand, S. (2020). Stylistics Investigation of the Contemporary Women Writer's Novels (Focusing on seven novels including: Wandering Island, the Dog and the Long Winter, Tehran's Nights, Heart of Steel, I will Turn off the Lights, Tibetan Dream, Your Redness is from me). Journal of the stylistic of Persian poem and prose, 13(49): 1-17.
DOI: [10.22034/JSPPP.2020.03.01](https://doi.org/10.22034/JSPPP.2020.03.01)
url: <https://www.bahareadab.com/pdf/923.pdf>